



توهم انزو و اگرای آمریکا

چرا هیچ کس نباید انتظار عقب نشینی ترامپ را می داشت

مایکل ای. اوهانلون

منبع: فارن افزر

تحلیلگران و مفسران اغلب به استناد به تحقیر متحدان از سوی دونالد ترامپ و نگرش خصمانه او نسبت به مهاجرت، سبک رهبری وی را بازگشتی به روش های انزواطلبانه آمریکا در قرن نوزدهم قلمداد می کنند اما این استدلال تنها نیمی از واقعیت است. درست است که ماهیت و تأکید سیاست های ترامپ در حوزه امنیت ملی یادآور رویکرد برخی از رؤسای جمهور آمریکا نظیر جیمز مونرو، اندرو جکسون، جیمز پولک، ویلیام مک کینلی و تئودور روزولت در آغاز قرن بیستم است، اما هیچ یک از این رؤسای جمهور انزواطلب نبودند و ترامپ نیز چنین نیست. شباهت های موجود میان ترامپ و گذشتگان ماهیتی متفاوت دارد و بیش از آنکه به «کاستن از نقش آمریکا در جهان» مربوط باشد، بر «به حداقل رساندن قدرت آمریکا» متمرکز است. درک شخصیت ترامپ از درجه تاریخ، دست کم برای کسانی که سیاست خارجی او را ردیال و بی سابقه می پندارند، می تواند اندکی تسلی بخش باشد. این نگاه تاریخی همچنین به آمریکایی ها یادآوری می کند که آن ها همواره در صحنه جهانی بسیار جسور بوده اند. این جسارت زمانی که ایالات متحده مصمم به دفاع از منافع و متحدان خود باشد، ویژگی مثبتی است، اما اگر آمریکایی ها تمایل تاریخی خود به اقدامات قدرت طلبانه را فراموش کنند و با این تصور که مردمانی ذاتاً صلح جو هستند خود را فریب دهند، همین ویژگی می تواند کشور را مانند گذشته دچار دررسد کند. ترامپ نیز مانند تقریباً تمام پیشینیان خود نشان داده است که یک بین الملل گرای بسیار قاطع است، نه یک انزواطلب. او از زمان آغاز به کار در ژانویه ۲۰۲۵ ادعا کرده که هشت مناقشه جهانی را حل و فصل کرده است؛ پیگیرانه برای پایان دادن به جنگ اوکراین تلاش کرده، در نشست سران ناتو در سال ۲۰۲۵ تعهد خود را به این پیمان تجدید نموده، عملیات مهمی علیه تأسیسات هسته ای ایران انجام داده، تقویت محدود اما واقعی ارتش آمریکا را پیش برده و اخیراً رئیس جمهور ونزوئلا را دستگیر کرده و رویکردی مرگبار و تأسف برانگیز در قبال قاچاقچیان مغفلون مواد مخدر در آب های ونزوئلا اتخاذ کرده است. بنابراین افزایش قدرت آمریکا محور اصلی سیاست امنیت ملی اوست که با آرمان های توسعه طلبانه قرن نوزدهم و جاه طلبی های دریایی و صنعتی اوایل قرن بیستم هم خوانی دارد. تحکیم قدرت آمریکا فی نفسه چیز بدی نیست، اما برای موفقیت در ساختن جهانی صلح آمیز با حفاظت از ایالات متحده در دنیای امروز کافی نیست. صرف اینکه سیاست های امنیت ملی ترامپ پیشینه های تاریخی گوناگونی دارد، موفقیت آن ها را تضمین نمی کند. آنچه در قرن نوزدهم کارآمد بود، ممکن است در قرن بیستم و یکم مؤثر نباشد. علاوه بر این سیاست گذاران آمریکایی با وجود کرانه های که در مجموع قوی است، در طول تاریخ جمهوری اشتباهات زیادی هنگام تدوین استراتژی های امنیت ملی مرتکب شده اند. رؤسای جمهور

اولیه با وجود تمام کارهایی که برای ساختن ایالات متحده انجام دادند، در ایجاد یک سیاست امنیت ملی پایدار که بتواند مانع از وقوع دو جنگ جهانی شود ناکام ماندند. اگر چه ترامپ تا به امروز هیچ یک از اتحاد های آمریکا را منحل نکرده است، اما سیاست های ملی گرایانه او و به ویژه تعرفه ها، حس هدف مشترکی را که جهان غرب را به مدت ۸۰ سال به هم پیوند داده و دست کم تاکنون مانع از جنگ جهانی سوم شده، تضعیف کرده است.

تجلی قدرت

تاریخ سیاست خارجی و استراتژی دفاعی ایالات متحده، تقریباً سراسر روایتی از ابراز وجود و قاطعیت بوده است. در طول ۱۰۱ سال پس از تحلیف جرج واشنگتن در ۱۷۸۹ تا نبرد «ووندنی» در سال ۱۸۹۰ که عملاً به نبردهای مسلحانه با بومیان پایان داد، ایالات متحده یک استراتژی کلان توسعه طلبانه را دنبال کرد و باریک های از خشکی در ساحل اقیانوس اطلس را به یک قدرت قاره ای بدل ساخت. نیروهای نظامی و عملیاتی که از این استراتژی کلان پشتیبانی می کردند ترکیبی از نیروهای فدرال و شبه نظامیان بودند، معمولاً مقیاس کوچکی داشتند و جز در دوران جنگ داخلی، تعدادشان حداکثر به چند ده هزار نفر می رسید. اما کوچکی این نیروها نشانه صلح طلبی یا انزواطلبی آمریکا نبود، بلکه صرفاً نیازی به نیروی بزرگ تر احساس نمی شد. این نیروهای کوچک با کارآمدی بی رحمانه ای عمل می کردند و در صدها نبرد علیه قبایل بومی آمریکا که اغلب با تاکتیک «تفرقه بینداز و حکومت کن» انجام می شد و همچنین در جنگ علیه مکزیک از سال ۱۸۴۶ تا ۱۸۴۸، پیروز شدند. سپس نوبت به «دکترین مونرو» در سال ۱۸۲۳ رسید که به اروپا درباره مداخله در نیمکره غربی هشدار می داد. اینکه آمریکا که هنوز عمدتاً پیش صنعتی و از نظر نظامی ضعیف بود، حق انحصاری نظارت بر ژئوپلیتیک تمام قاره آمریکا را از آن خود بداند، نمایشی از جسارت خیره کننده بود. اگر چه پیامدهای عملی این دکترین اندک بود، اما روحیه و جاه طلبی ای را آشکار کرد که به سختی با مفاهیم انزوگرایایی یا کمینه گرایی (مینیمالیسم) استراتژیک سازگار است.

به سوی بی نهایت و فراتر از آن

تا سال ۱۸۹۰، ایالات متحده به یک قدرت قاره ای تبدیل شده بود. گام بعدی، تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ بود. البته واشنگتن همچنان تلاش می کرد از جنگ های زمینی در اروپا بپرهیزد و ارتش خود را کوچک نگه داشت، هر چند این ارتش به اندازه ای بود که اسپانیا را در جنگ اسپانیا و آمریکا در سال ۱۸۹۸ شکست دهد و در این فرآیند کنترل کوبا، گوام، پورتوریکو و فیلیپین را به دست گیرد. با وجود تصاحب فیلیپین، واشنگتن در نهایت به دنبال امپریالیسم سرزمینی در مقیاس وسیع نرفت، اما نیروی دریایی آن در حال توسعه توانمندی رقابت در صحنه جهانی

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری کار لندروم مدل ۱۳۶۰ شماره موتور ۹۹۱۰۴۴۷۸ شماره شاسی ۵۶۱۰۲۱۰۳ شماره پلاک ۷۳ ایران ۷۱۴ ص ۶۵ به نام ابودر شهیریاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۳ شماره موتور ۰۰۶۸۹۲۲۸ شماره شاسی ۵۱۴۱۲۲۸۳۲۴۳۵۳۳ شماره پلاک ۸۵ ایران ۷۳۷ ص ۴۹ به نام سخی رخشانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو ۱۶۰۰ آر دی مدل ۱۳۷۹ شماره موتور ۲۲۳۲۷۹۱۴۷۰۸ شماره شاسی ۷۹۷۱۵۳۲۰ شماره پلاک ۱۲ ایران ۶۴۲ ص ۵۵ به نام رمضانعلی دهقان جاعرق مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.



بود. امواج ساخت و ساز کشتی که از دهه ۱۸۸۰ آغاز شده بود، باعث شد تا زمان شروع جنگ جهانی اول، نیروی دریایی آمریکا سومین ناوگان بزرگ جهان از نظر تناژ کشتی های جنگی باشد. چهره های کلیدی اواخر قرن نوزدهم نظیر آلفرد تایلر ماهان استراتژیست، روزولت و مک کینلی که پیشران این روند بودند، قدرت دریایی را برای جایگاه جهانی آمریکا حیاتی می دانستند. ایالات متحده به سیاست خارجی و دفاعی بسیار گسترده تری گرایش پیدا کرده بود. در آغاز قرن بیستم، اصلاحات «روت» و قانون «دیک» (که به نام وزیر جنگ و سناتور وقت نامگذاری شده بودند)، وزارت جنگ و گارد ملی آمریکا را بازسازی و تقویت کردند. در سال ۱۹۰۴ «متهم روزولت بر دکترین مونرو» اعلام کرد که نیمکره غربی نه تنها به روی مداخله استعماری خارجی بسته است، بلکه واشنگتن حق دارد در هر موضوع سیاسی و استراتژیک کلیدی که بخواهد، در همسایگی خود دخالت فعال داشته باشد. از این متهم برای توجیه مداخلات متعدد آمریکا در آمریکای لاتین در دهه های بعد استفاده شد: از جمله مداخله در مکزیک و کرائیب و همچنین حمایت از جدایی طلبان کلمبیا که به تأسیس کشور پاناما و در نهایت هموار شدن راه برای ساخت و حاکمیت آمریکا بر کانال پاناما منجر شد. (ترامپ نیز به نوبه خود با اعلام «متهم ترامپ بر دکترین مونرو» در استراتژی امنیت ملی دسامبر ۲۰۲۵، همین رویکرد را تکرار کرده است.)

پابندی به وضع موجود

در طول دوره اول ریاست جمهوری ترامپ و مبارزات انتخاباتی او برای دوره دوم، به نظر می رسید که او ممکن است ماهیت استراتژی کلان و دفاعی ایالات متحده را به شکلی از «کمینه گرایی» تغییر دهد. او از حجم بیش از حد بودجه دفاعی شکایت می کرد، فلسفه ناتو و اتحاد با کره را زیر سوال می برد، در اینکه او کراین برای منافع آمریکا اهمیت داشته باشد تردید داشت و خواهان اولویت بخشی بیشتر به مسائل نزدیک به خانه، به ویژه در امتداد مرز مکزیک و آمریکا بود. شاید برخی از این ایده ها دوباره ظاهر شوند و در واقع مسائل مرزی و مهاجرت کانون اصلی سیاست داخلی و خارجی ترامپ بوده اند؛ اما دوره دوم ترامپ بسیار بیشتر با «حداکثرگرایی» مشخص شده است تا هر شکلی از کمینه گرایی. دولت او در سراسر جهان میانجی گری صلح کرده است، حتی اگر آن طور که ادعا می کند موفق نبوده باشد؛ از ناتو حمایت کرده، هر چند در این فرآیند شرکای اروپایی را از رده است؛ مجوز استفاده از زور علیه تأسیسات هسته ای ایران و رئیس جمهور وقت ونزوئلا را صادر کرده؛ و از افزایش هزینه های دفاعی ایالات متحده دفاع نموده است. او هیچ یک از اتحاد های آمریکا را منحل نکرده است. چشمگیرترین عقب نشینی نیروها که دولت ترامپ تاکنون پیشنهاد کرده، مربوط به یک تیپ از ارتش آمریکا در رومانی است که شامل چند هزار سرباز از مجموع حدود ۱۰۰،۰۰۰ نیروی مستقر در اروپاست. بنابراین اقدامات ترامپ هرگونه توهمی مبنی بر اینکه او یک انزواطلب است را از بین برده است و با توجه به تاریخ ایالات متحده، هیچ کس نباید انتظاری می داشت که او چنین باشد. به جز چند رئیس جمهور آمریکا در دوره بین دو جنگ جهانی (وارن هاردینگ، کالوین کولیدج و هربرت هورور)، انزوگرایی واقعاً در دی ان ای استراتژیست های کلان آمریکایی وجود ندارد. در واقع، تغییر موضع ناگهانی ویلسون در جنگ جهانی اول یادآور خوبی است که درگیری ایالات متحده در مناقشات اوراسیا صرفاً یک مسئله تر جیحی ساده نیست. ویلسون درست همان طور که ترامپ اکنون می خواهد، خواهان اجتناب از جنگ بود. بیزار بودن از خشونت و خواست دوری از تله هایی مانند جنگ های افغانستان، عراق و ویتنام، همان طور که ترامپ بر آن تأکید دارد، حقیقتاً ستودنی است؛ اما جلوگیری از جنگ قدرت های بزرگ در ۸۰ سال گذشته نیازمند سیستمی از اتحاد های آمریکایی و استقرار نظامی پیش رو بوده است که کنار گذاشتن آن ها در حال حاضر غفلت محسوب می شود. شاید ترامپ در نهایت به این نتیجه برسد، اما برای اطمینان یافتن هنوز خیلی زود است. بین الملل گرایی ترامپ و شباهت تفکر او به رؤسای جمهور پیشین نظیر جکسون، پولک، مک کینلی و روزولت، بدین معنا نیست که سبک تصمیم گیری اغلب تکانشی و منحصر به فرد او امری مثبت برای سیاست خارجی ایالات متحده است. اما ترامپ در رویکرد خود به امنیت ملی، آن قدرها هم که گاهی ادعا می شود، چهره ای بی سابقه در تاریخ آمریکا نیست. فلسفه او بر پیگیری قدرت ملی متمرکز است، نه صرفاً به عنوان اولویت اصلی، بلکه به عنوان یک دغدغه و وسواس فکری همه جانبه. با این حال، اگر این رویکرد با چشم اندازی فراگیرتر که منافع مشروع سایر کشورها را نیز در نظر بگیرد تعدیل نشود، چنین پیگیری ساده انگارانه ای از منافع ملی می تواند به طور فاجعه باری شکست بخورد. آنچه ممکن است صرف نظر از اخلاقیات برای نیمه اول تاریخ این کشور کارساز بوده باشد، پس از آن کارایی نداشت و بعید است که اکنون دوباره کارساز شود.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۷ شماره موتور ۱۱۱۲۷۷۴۰۲۲۷ شماره شاسی ۰۰۷۷۴۴۳۴۶۱ شماره پلاک ۴۳ ایران ۳۱۶ ن ۶۶ به نام سیده زینب هاشمی باباجیدری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو ۱۶۰۰ آر دی مدل ۱۳۸۰ شماره موتور ۲۲۳۲۸۰۲۳۹۴۶ شماره شاسی ۵۱۸۰۷۲۳۲۶۲ شماره پلاک ۲۳ ایران ۱۱۴ ص ۴۹ به نام محمود کریمیان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی وانت مزدا ۱۶۰۰ مدل ۱۳۶۳ شماره موتور ۵۱۳۳۳ شماره شاسی ۶۳۶۵۶۴۴ شماره پلاک ۴۹ ایران ۹۴۳ ص ۵۶ به نام محمد علی نعیمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ترامپ به دنبال لقمه های آسان است

اندیشکده آمریکایی کوئینسی نوشت سوابق دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا نشان می دهد او به رغم «لفاظی های تهدیدآمیز» به دنبال «لقمه های آسانی» است تا صرفاً اعتبار سیاسی به دست آورد و «ژست قاطع بودن» به خود بگیرد اما در مواجهه با هر گونه ایستادگی و پاسخ محکم به خود عقب نشینی می کند. به گزارش ایسنا، کوئینسی اشاره کرد ترامپ حالا از موضوعی که پیشتر گرفته بود، عقب نشینی کرده و می گوید نیازی به «فرستادن نیروی نظامی به ایران» نمی بیند. رئیس جمهور آمریکا گفت: «ما وضعیت ایران را دنبال و پیگیری می کنیم، اما نیازی به فرستادن نیروی نظامی به ایران نمی بینیم.» تحلیلگر کوئینسی در ادامه نوشت: «ترامپ حالا به دنبال راهی برای توجیه عدم اقدام خود است.» این اندیشکده تصریح کرد: «سابقه ترامپ نشان می دهد او مداخلاتی را ترجیح می دهد که کم خطرتر و تمیزتر باشند تا او ژست قاطع بودن به خود بگیرد. اما زمانی که نتیجه اقدام نظامی غیرقابل پیش بینی بوده و اوضاع را برای آمریکا در هم ریخته کند، او عقب نشینی می کند.» به نوشته این اندیشکده «ایمن یک مثال مناسب است. ترامپ بر خلاف همه توصیه هایی که به او شد دستور به حملات علیه حوثی ها (انصارالله) داد اما به مجرد اینکه وعده او برای کسب پیروزی سریع نقش بر آب شد و نزدیک بود ناو هواپیمابر و هواپیماهای آمریکایی از دست بروند، او رویه خود را تغییر داد.» کوئینسی اشاره کرد هر گونه نبردی که آمریکا علیه ایران به راه بیناندازد به مراتب پیچیده تر خواهد بود. این اندیشکده تصریح کرد: «ترامپ صرفاً به دنبال یک لحظه امن آخر برای آنکه دست به مداخله بزند است تا این گونه صرفاً اعتبار سیاسی را برای خود به حداکثر برساند اما در مقابل هزینه هایش را به حداقل برساند.» کوئینسی تأکید کرد با وجود آن که اسرائیل و سیاستمداران آمریکایی جنگ طلبی همچون سناتور «لیندسی گراهام» بی تردید اصرار خواهند کرد که ترامپ پای تهدیدات سابقش علیه ایران بایستد ترامپ بارها نشان داده وقتی اظهارات قبلی اش به نفع او نباشد، چقدر راحت آنها را کنار می گذارد.

سیاستمداران



آمادگی ترامپ

برای ملاقات با رودریگز

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرد که مایل است تا با دلسی رودریگز سرپرست دولت ونزوئلا دیدار کند و در حال انجام اقداماتی برای هماهنگی با رهبری جدید این کشور است. در این راستا وزارت خزانه داری آمریکا نیز اعلام کرد امکان لغو تحریم های ونزوئلا در روزهای آینده وجود دارد تا فروش نفت این کشور را تسهیل کند.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پراید جی تی ایکس مدل ۱۳۸۳ شماره موتور ۰۰۶۵۵۸۰۱ شماره شاسی ۵۱۴۱۲۲۸۳۲۱۹۹۴۶۶ شماره پلاک ۱۴ ایران ۲۳۱ ق ۳۷ به نام ناجی ظریفی کرخه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو آر دی آی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۲۹۴۱۸ شماره شاسی ۲۳۴۴۳۲۴۵۴ شماره پلاک ۳۴ ایران ۵۳۴ س ۱۳ به نام رمضان جمال پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ساده کار مدل ۱۳۶۳ شماره موتور ۲۵۴۹۹۱ شماره شاسی ۱۴۱۶۳۱۶۴۸۳ شماره پلاک ۱۴ ایران ۸۲۲ د ۵۳ به نام سلطان راهداریان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ساده کار مدل ۱۳۶۳ شماره موتور ۲۵۴۹۹۱ شماره شاسی ۱۴۱۶۳۱۶۴۸۳ شماره پلاک ۱۴ ایران ۸۲۲ د ۵۳ به نام سلطان راهداریان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.